

انواع محافظه‌کاری و رابطه آن‌ها با کیفیت سود

اله کرم صالحی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود حسابداری در بازار سرمایه ایران است. بدین منظور، نمونه‌ای مشتمل بر ۱۱۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۳ انتخاب گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل توسعه یافته باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است. در این مدل برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی از معیار عدم تقارن زمانی باسو، و برای سنجش کیفیت سود و محافظه‌کاری غیرشرطی به ترتیب از نسبت جریان نقد عملیاتی به سود خالص و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محافظه‌کاری شرطی بر کیفیت سود تأثیری ندارد در حالی که بین محافظه‌کاری غیرشرطی و کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری شرطی، محافظه‌کاری غیرشرطی، کیفیت سود، مدل باسو.

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان،

مسجدسلیمان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۹/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۲۵

نویسنده مسئول: اله کرم صالحی

A.k.salehi@iaumis.ac.ir

۱. مقدمه

محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های مهم گزارشگری مالی است (بیور، ۱۹۹۸) که به صورت واکنشی محتاطانه به ابهام و ریسک توسط حسابداران بکار برده می‌شود. این مفهوم در سال‌های اخیر به خاطر رسوایی‌های مالی در شرکت‌هایی مانند انرون و وردکام، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. به رغم انتقادهای فراوانی که به محافظه‌کاری شده است ولی محافظه‌کاری نقش خود را در طول قرن‌ها حفظ کرده است و به نظر می‌رسد در ۳۰ سال اخیر رشد چشم‌گیری داشته است (واتس، ۲۰۰۳). گیولی و هاین (۲۰۰۰) نشان دادند که محافظه‌کاری در طول نیمه دوم قرن بیستم روند افزایشی داشته است. شاید بتوان باسو (۱۹۹۷) را اولین پژوهشگری دانست که به منظور اندازه‌گیری محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی به پژوهش تجربی دست زد. از آن زمان تاکنون، محققان روش‌ها و مدل‌های گوناگونی برای محاسبه محافظه‌کاری پیشنهاد کرده‌اند ولی به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از این مدل‌ها نتوانسته است به نحو صحیحی به اندازه‌گیری محافظه‌کاری بپردازد (ستایش و شمس‌الدینی، ۱۳۹۲).

تاکنون در مورد محافظه‌کاری به عنوان یکی از ویژگی‌های گزارشگری مالی تحقیقات زیادی صورت گرفته است. برخی از تحقیقات اخیر (فان و زنگ، ۲۰۱۲، نان و ون، ۲۰۱۱ و گائو، ۲۰۱۱) نشان داده است که محافظه‌کاری حسابداری از یک سو موجب افزایش کیفیت اطلاعات و همچنین افشای بیش‌تر اطلاعات حسابداری در بازار شده است. از این منظر می‌توان به مزایایی از قبیل کاهش مدیریت سود، کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی اشاره نمود. بنابراین با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری، بدین طریق از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران جلوگیری می‌شود و کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر برخی از محققین مالی (فلسام ۲۰۰۹ و تائو، ۲۰۱۰) معتقدند که اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه با زودتر شناسایی کردن اخبار و علائم بد و نامساعد، در مقایسه با اخبار و علائم خوب و مساعد، انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی و در نتیجه ارزش بازار اوراق بهادار واحد تجاری را کاهش می‌دهد در نتیجه کیفیت اطلاعات را کاهش می‌دهد و معمولاً منجر به سوگیری‌های نظام‌مند و تحریف وقایع اقتصادی می‌شود. حال این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در نهایت منجر به افزایش کیفیت سود می‌شود یا کاهش آن، یا تأثیری بر آن ندارد؟

هدف این پژوهش بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از آنجایی که شاخص محافظه‌کاری، به عنوان یک عامل تأثیرگذار می‌تواند بر عملکرد آتی و ارزش شرکت اثرگذار باشد، لذا در شرایط کنونی شناسایی اثر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود سهام

ضمن اینکه می‌تواند در جهت تقویت بازار سرمایه و توسعه اقتصادی کشور به کلیه ذی‌نفعان و تصمیم‌گیرندگان حوزه اقتصادی اعم از مدیران، سهامداران، سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی، دولت و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری یاری رساند، به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز جهت تنظیم سیاست‌های حمایتی برای بازار کارآمد و سیاست‌های محدود کننده برای جلوگیری از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران کمک خواهد نمود. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد: اول این که انتظار بر آن است تا نتایج این مقاله موجب بسط مبانی نظری تحقیقات مرتبط با محافظه‌کاری حسابداری شود. دوم این که نتایج این پژوهش می‌تواند آگاهی مناسبی درباره مزیت‌های محافظه‌کاری حسابداری در اختیار مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری قرار دهد. سوم این که نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در حوزه محافظه‌کاری حسابداری و کیفیت سود، پیشنهاد نماید.

۲. مبانی نظری و مروری بر تحقیقات پیشین

اخیراً در تحقیقات حسابداری مفهوم محافظه‌کاری به دو شکل محافظه‌کاری شرطی^۱ و غیرشرطی^۲ مطرح شده است (بیور و رایان، ۲۰۰۵ و بال و شیواکمار، ۲۰۰۵). محافظه‌کاری شرطی به دیدگاهی اشاره دارد که اخبار بد را سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نماید بدین معنی که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در شرایطی نامساعد کاهش می‌یابد، اما در شرایط مساعد افزایش نمی‌یابد. استفاده از روش اقل بهای تمام‌شده یا ارزش بازار برای ارزشیابی موجودی کالا و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت و کاهش ارزش دارایی‌های بلندمدت و نامشهود نمونه‌هایی از محافظه‌کاری شرطی هستند. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود‌وزیانی (باسو، ۱۹۹۷ و بال و همکاران، ۲۰۰۰)، محافظه‌کاری پس‌رویدادی^۳ (پوپ و والکر، ۲۰۰۳ و ریچاردسون و تینایکر، ۲۰۰۴)، محافظه‌کاری وابسته به اخبار^۴ (چاندرا و همکاران، ۲۰۰۴) نیز می‌گویند.

محافظه‌کاری غیرشرطی (مستقل از اخبار خوب و بد) بر جنبه‌هایی از فرآیند حسابداری تأکید دارد که منجر به شناخت اولیه خالص دارایی‌ها به مبلغی کمتر از ارزش بازار آن‌ها در طول عمرشان می‌شود. به عبارت دیگر این نوع محافظه‌کاری از به‌کارگیری آن دسته از

-
1. Conditional Conservatism
 2. Unconditional Conservatism
 3. Ex Post Conservatism
 4. News-dependent Conservatism

استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را به گونه‌ای مستقل از اخبار اقتصادی کاهش می‌دهند. شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه یا مخارج تبلیغات به عنوان هزینه و نه به عنوان دارایی، استفاده از نرخ استهلاک تسریعی و حسابداری بهای تمام شده تاریخی برای پروژه‌هایی که ارزش فعلی جریان‌های نقدی مثبت دارند، نمونه‌هایی از محافظه‌کاری غیرشرطی است. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری ترازنامه‌ای، محافظه‌کاری پیش‌رویدادی^۱ یا محافظه‌کاری مستقل از اخبار^۲ نیز می‌گویند.

مطالعات اندکی در رابطه با محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی و کیفیت سود انجام شده است. نتایج تحقیق بیور و رایان (۲۰۰۵) نشان داد که به موجب محافظه‌کاری غیرشرطی، ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به لحاظ جنبه‌های از پیش تعیین‌شده فرآیند حسابداری، کمتر از واقعیت ارائه می‌شود. اما براساس محافظه‌کاری شرطی، ارزش دفتری در شرایط نامطلوب کاهش داده می‌شود ولی در شرایط مناسب افزایش داده نمی‌شود.

اگرچه برخی از تحقیقات مانند پوپ و والکر (۲۰۰۳)، پی و همکاران (۲۰۰۵)، بیور و همکاران (۲۰۰۵) و بیور و رایان (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی ارتباطات دوجانبه‌ای با یکدیگر دارند، اما تحقیقات چان و همکاران (۲۰۰۹) بیانگر این است که هریک از انواع محافظه‌کاری، اطلاعات متفاوتی درباره‌ی روش گزارشگری شرکت، انعطاف‌پذیری مالی، وضعیت اقتصادی و کیفیت سودهای آتی را به بازار ارائه می‌کند. یا نتیجه‌ی تحقیق آیت‌ریدیس (۲۰۱۱) مؤید این است که شکل مشروط محافظه‌کاری ارتباط منفی با محافظه‌کاری غیرمشروط دارد زیرا محافظه‌کاری شرطی کارایی قرارداد را تقویت می‌کند اما محافظه‌کاری غیرشرطی باعث فرصت‌طلبی مدیریتی می‌شود.

اکثر طرفداران تئوری اثباتی حسابداری معتقدند که یک شرکت با درجه‌ی بالایی از محافظه‌کاری باید با کیفیت سود بالا و هزینه‌ی سرمایه‌ی کمتری در ارتباط باشد اما مطالعات تجربی اخیر، کاملاً طرفدار چنین دیدگاهی نیستند. گیولی و هاین (۲۰۰۰ و ۲۰۰۲) دریافتند که محافظه‌کاری سود در طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ در آمریکا افزایش یافته است ولی نتایج تحقیقات دیگری در همین مدت مانند فرانکیس و اسکیر (۱۹۹۹)، بارث و همکاران (۱۹۹۸) و کالینز و همکاران (۱۹۹۷) بیانگر کاهش در سودآوری، افزایش در پراکندگی سودها و همزمان کاهش کیفیت سود می‌باشد.

1. Ex Ante Conservatism
2. News-independent Conservatism

تحقیقات نشان داده‌اند که محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به دلایل مقاصد مالیاتی، دعاوی حقوقی و منافع شخصی مدیران افزایش یابد (کانو رودریگیوز، ۲۰۱۰) که در این صورت پیامد آن، کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری خواهد بود (بال و شیواکمار، ۲۰۰۸). برای مثال محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به موجب آزادی اختیار مدیران جهت استفاده از روش‌های گوناگون استهلاک یا ارزشیابی موجودی‌ها به منظور رسیدن به اهداف فرصت‌طلبانه مدیران صورت گرفته باشد. بنابراین محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است کیفیت اطلاعات حسابداری را تحریف و به تصمیمات اقتصادی ناکارآمد منجر شود (بال و شیواکمار، ۲۰۰۵) و فلام (۲۰۰۹) در پژوهشی در این زمینه بیان کرد، محافظه‌کاری غیرشرطی باعث کاهش خالص ارزش‌های گزارش شده است، در صورتی که محافظه‌کاری مشروط به کاهش انتظارات از عملکرد آتی منجر می‌شود، زیرا محافظه‌کاری مشروط با زودتر شناسایی کردن اخبار بد و نامساعد نسبت به اخبار خوب و مساعد، تصویری نامناسب از وضعیت واحد تجاری ارائه می‌کند. پایین بودن انتظارات از عملکرد آتی، ارزش کمتر اوراق بهادار شرکت را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران بازار، تا حدودی اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را در نظر می‌گیرند ولی قادر به انعکاس کامل آن نیستند.

در سال‌های اخیر کیفیت سود گزارش شده نیز مورد توجه بسیاری از تحقیقات قرار گرفته است. تخلفات مالی در شرکت‌های بزرگی چون انرون، تیکو و وردکام سوالاتی را در زمینه قابلیت اتکای سودهای گزارش شده مطرح کرده است (طارق و راشا، ۲۰۱۱) و همین امر سبب شده تا پژوهشگران و تحلیل‌گران توجه خود را از تأکید صرف به کمیت سود به سوی کیفیت آن معطوف کنند (بولو، ۱۳۸۵). کیفیت سود یکی از واژگان حسابداری بوده که هیچگونه اتفاق نظری درخصوص تعریف آن وجود ندارد (صفرزاده، ۱۳۹۲). شیپر و وینسنت (۲۰۰۳)، کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می‌کنند. دیچو و دیگران (۲۰۱۰) طی پژوهشی به بررسی جامع معیارهای اندازه‌گیری کیفیت سود و عوامل تعیین‌کننده و آثار هر یک از این معیارها پرداختند. آن‌ها در این پژوهش کیفیت سود را بدین گونه تعریف کردند: «کیفیت بالای سود، اطلاعات بیش‌تری در باره ویژگی‌های عملکرد مالی یک شرکت را ارائه می‌کند و به تصمیمات خاصی بستگی دارد که توسط تصمیم‌گیرندگان خاصی اتخاذ می‌شود». معیارهای مورد نظر آنان برای اندازه‌گیری کیفیت سود شامل پایداری، اقلام تعهدی، هموارسازی، به موقع بودن، اجتناب از زیان، واکنش سرمایه‌گذاران و شاخص‌های خارجی از قبیل دستورالعمل‌های لازم‌الاجرای کمیسیون بورس اوراق بهادار و تجدید ارائه می‌باشند. از دیدگاه دیچو و همکاران برخی از اجزای تعهدی سود، سبب کاهش کیفیت سود

می‌شود در حالی که جزء نقدی سود، افزایش کیفیت سود را در پی دارد. آن‌ها در تحقیق خود به نتیجه واحدی از اینکه کیفیت سود چیست، نرسیدند زیرا از نظر آنان کیفیت سود به اقتضای شرایط تصمیم بستگی دارد. آن‌ها همچنین نشان دادند که کیفیت سود تابعی از عملکرد اصلی (مالی) شرکت است. از طرف دیگر بال و شیواکمار (۲۰۰۵ و ۲۰۰۶)، باسو (۱۹۹۷) و شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) بیان نمودند که شناخت به موقع زیان ویژگی اصلی برای تصریح کیفیت سود است.

چان و همکاران (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری غیرشرطی به پایداری و توان پیش‌بینی بیش‌تر سودهای جاری و آینده و در نتیجه کیفیت بهتر اطلاعات حسابداری و هزینه سرمایه کم‌تری منجر خواهد شد. اما محافظه‌کاری شرطی با کیفیت ضعیف‌تر اطلاعات حسابداری رابطه دارد و اعمال میزان بیش‌تری از محافظه‌کاری شرطی به هزینه سرمایه بیش‌تر منجر خواهد شد. لارا و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که محافظه‌کاری غیرشرطی ناشی از منظور نمودن مخارج تحقیق و توسعه به هزینه دوره جاری، در آینده از محافظه‌کاری شرطی بیش‌تر پیشی خواهد جست. زیرا این نوع محافظه‌کاری ممکن است در آینده نسبت به اخبار بد مبنی بر زیان ناشی از کاهش ارزش دارایی واکنشی نشان ندهد. آن‌ها دریافتند که محافظه‌کاری شرطی معمولاً به موقع بودن سود حسابداری را تعدیل می‌کند اما به طور صریح اثرات متقابل این دو شکل محافظه‌کاری را بررسی نمی‌کند. طارق و راشا (۲۰۱۱) طی پژوهشی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود و قیمت بازار سهام در کشور مصر را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که محافظه‌کاری شرطی اثر منفی روی کیفیت سود و قیمت سهام شرکت‌های مصری دارد و محافظه‌کاری غیرشرطی روی کیفیت سود تأثیری ندارد اما با قیمت سهام رابطه منفی دارد. بیدل و همکاران (۲۰۱۳) طی تحقیقی شواهدی را ارائه کردند که نشان می‌دهد محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با افزایش وجه نقد، مدیریت سود محدود و کاهش اهرم به کاهش ریسک ورشکستگی کمک می‌کند. نتایج تحقیق لین و همکاران (۲۰۱۴) با عنوان رابطه میان محافظه‌کاری حسابداری، سرمایه‌گذاران نهادی و دستکاری سود نشان داد که شرکت‌ها با گزارشگری مالی محافظه‌کارانه‌تر احتمالاً کم‌تر درگیر فعالیت‌های دستکاری سود می‌شوند. همچنین نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی بین مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی است. بنابراین، اگر صورت‌های مالی شرکت گرایش به محافظه‌کاری داشته باشند، سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند با مدیریت سود، انگیزه‌های مدیریتی را افزایش دهند.

سدیدی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی محافظه‌کاری حسابداری و تأثیر کیفیت سود بر بازده دارایی‌ها و بازده سهام را بررسی نمودند. نتایج تحقیق حاکی است که شاخص کیفیت سود معرفی شده بر مبنای شاخص محافظه‌کاری می‌تواند بخشی از تفاوت نرخ بازده دارایی‌های عملیاتی و نرخ بازده سهام جاری را با سال بعد بیان کند؛ به عبارتی واحدهای اقتصادی که روش‌های محافظه‌کارانه را اعمال می‌کنند، می‌توانند با تغییر سرمایه‌گذاری در دارایی‌های عملیاتی، کیفیت سود واحد را تغییر دهند. کردستانی و خلیلی (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریان‌های نقدی و اقالام تعهدی پرداختند و به طور کلی نتیجه تحقیق آن‌ها بر اهمیت محافظه‌کاری و تأثیر آن بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی اقالام تعهدی نسبت به جریان نقدی تأکید دارد. به عبارتی اعمال محافظه‌کاری، محتوای اطلاعاتی جزء تعهدی سود را افزایش می‌دهد. پورحیدری و غفارلو (۱۳۹۱) به بررسی اثر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط حسابداری بر هزینه حقوق مالکانه پرداختند. جهت ارزیابی ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط با هزینه سرمایه، به ترتیب از مدل باسو (۱۹۹۷) و معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بیور و رایان (۲۰۰۵) استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و هزینه سرمایه شرکت، معکوس و معنادار است. به عبارت دیگر، در صورتی که اخبار و علائم بد بیش‌تر و به موقع‌تر از اخبار خوب در سود حسابداری منعکس شوند، هزینه سرمایه شرکت افزایش پیدا می‌کند، اما هیچ ارتباط مشخص و معناداری بین محافظه‌کاری غیرمشروط و هزینه سرمایه شرکت مشاهده نشد. ستایش (۱۳۹۲) به تخمین محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل بسط داده شده باسو (۱۹۹۷) پرداخته است. در پژوهش مزبور با استفاده از سه متغیر اندازه، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام عادی و اهرم مالی در مدل باسو، به بررسی عدم تقارن اطلاعاتی نهفته در گزارشگری مالی شرکت‌ها پرداخته شده است. یافته‌ها نشان دهنده مناسب‌تر بودن مدل بسط داده شده نسبت به مدل اصلی، برای اندازه‌گیری عدم تقارن زمانی سود است. همچنین در شرکت‌های بزرگ‌تر، اخبار خوب نسبت به اخبار بد تأثیر بیش‌تری دارد و شرکت‌هایی که در ساختار مالی خود از بدهی بیش‌تری استفاده می‌کنند، آثار اخبار خوب خود را دیرتر منعکس می‌کنند، اما آثار اخبار بد را در بازدهی سهام سریع‌تر انتشار می‌دهند. بدیعی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط با کیفیت سود با استفاده از مدل باسو، بال و شیواکومار در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری محافظه‌کاری از دو مدل باسو (۱۹۹۷) و بال و شیواکومار (۲۰۰۵) استفاده شده است. این دو مدل قادر به سنجش محافظه‌کاری

مشروط می‌باشند و با افزودن متغیرنسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB) به دو مدل مذکور برای سنجش محافظه‌کاری غیرمشروط استفاده شده است. متغیر دیگری که به دو مدل اضافه شد عبارت است از نسبت جریان نقد عملیاتی به سود خالص (CFO/NI) که به عنوان نماینده کیفیت سود در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط با کیفیت سود در مدل باسو هیچ ارتباط معناداری ندارد، اما طبق مدل بال و شیواکومار بین محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط با کیفیت سود رابطه منفی معنادار مشاهده شده است بدین معنی است که شرکت‌هایی با محافظه‌کاری بالا کیفیت سود پائین‌تری دارند و با اعمال روش‌های محافظه‌کارانه کیفیت سود گزارش شده کم‌تر می‌گردد.

۳. فرضیه‌ها و مدل تحقیق

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: محافظه‌کاری شرطی در بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

فرضیه دوم: محافظه‌کاری شرطی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

فرضیه سوم: محافظه‌کاری غیر شرطی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع همبستگی است. این پژوهش رویکردی قیاسی- استقرایی دارد و در میان انواع پژوهش‌ها همبستگی جزء تحلیل‌های رگرسیونی می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر اطلاعات واقعی و تاریخی است، آن را می‌توان از نوع پس رویدادی طبقه‌بندی کرد. جامعه آماری این تحقیق، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تعیین نمونه آماری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است. بدین ترتیب کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که حداقل یکی از این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری حذف شده‌اند. برای این منظور ۴ معیار در نظر گرفته شده است و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را

احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است. معیارهای مذکور به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده باشد.
 - ۲) در دوره پژوهش سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
 - ۳) در قلمرو زمانی پژوهش از بورس حذف نشده باشد.
 - ۴) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد.
- پس از اعمال محدودیت‌های ذکر شده، در جامعه پژوهش تعداد ۱۱۲ شرکت (معادل ۱۵۶۸ سال-شرکت) به عنوان نمونه جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای (و مراجعه به پایان‌نامه‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی از طریق سایت‌های مربوطه) و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از اطلاعات ارائه شده در سایت اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و صورت‌های مالی ارائه شده به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر منابع اطلاعاتی مرتبط مانند بانک اطلاعاتی تدبیرپرداز و ره‌آورد نوین استفاده شده است.

۵. متغیرها و مدل پژوهش

در این تحقیق، به منظور سنجش سطح محافظه‌کاری شرطی از مدل باسو (۱۹۹۷) به شرح مدل ۱ استفاده شده است. باسو (۱۹۹۷) با استفاده از رگرسیون بین سود و بازده سهام دریافت که پاسخ سود نسبت به بازده منفی (اخبار بد) به هنگام‌تر از پاسخ سود نسبت به بازده مثبت (اخبار خوب) است. رایان (۲۰۰۶) و خان و واتس (۲۰۰۹) نیز از شناسایی به موقع زیان به عنوان معیار محافظه‌کاری شرطی استفاده نمودند.

$$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در آن، EPS سود هر سهم، P ارزش بازار هر سهم در ابتدای دوره، RET بازده سالانه سهام و DR یک متغیر دو ارزشی است که وقتی بازده سهام منفی باشد مقدار ۱ و در سایر موارد مقدار صفر خواهد داشت. در مدل فوق، ضریب β_3 را ضریب عدم تقارن اطلاعاتی می‌نامند که نشان دهنده میزان عدم تقارن زمانی شناسایی زیان‌ها در برابر سودها (بهنگامی نامتقارن^۱ زیان‌ها در مقابل سودها) است. در مدل مزبور، β_3 ی بیش‌تر، بیانگر شناسایی بهنگام‌تر زیان‌های ایجاد

1. Asymmetric timeliness

شده نسبت به سودها است (باسو، ۱۹۹۷) و نشانه این است که سود شرکت با اعمال محافظه‌کاری بیش‌تری تهیه شده و از کیفیت بالاتری برخوردار است. چون در نظر است که در این تحقیق رابطه محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با کیفیت سود بررسی شود در مدل باسو فقط رابطه محافظه‌کاری شرطی و قیمت سهام در نظر گرفته شده است. بنابراین، در این مطالعه بر اساس تحقیقات گذشته دو متغیر به مدل باسو اضافه و مدل‌های جدیدی به عنوان مدل توسعه‌یافته باسو مورد استفاده قرار گرفت. اولین متغیر نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی به سود خالص (CFO/NI) به عنوان معیار کیفیت سود می‌باشد که به مدل (۱) اضافه و با استفاده از آن در مدل (۲) برای آزمون فرضیه دوم به بررسی رابطه محافظه‌کاری شرطی و کیفیت سود می‌پردازیم. در نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به سود، کیفیت سود بر اساس فرض قرابت به نقد^۱ تعریف می‌شود. بر اساس فرض قرابت به نقد، نقدی‌تر بودن سود به معنای باکیفیت‌تر بودن آن است. هریس و همکاران (۲۰۰۰) و پنمن و زنگ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود ساده‌ترین شکل ممکن برای بیان رابطه فوق است. بیش‌تر بودن نسبت جریان نقد حاصل از عملیات به سود، به معنای باکیفیت‌تر بودن سود است. متغیر دیگر، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB) به عنوان معیار سنجش محافظه‌کاری غیرشرطی (به پیروی از احمد و دلان، ۲۰۰۷، و طارق و یاشا (۲۰۱۱) به مدل (۱) اضافه می‌شود تا مدل سوم تحقیق برای آزمون فرضیه سوم حاصل شود:

$$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \beta_4 \frac{CFO_{it}}{NI_{it}} + \varepsilon_{it} \quad (\text{مدل } ۲)$$

$$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 \frac{CFO_{it}}{NI_{it}} + \varepsilon_{it} \quad (\text{مدل } ۳)$$

جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها، از نرم‌افزار تدبیر پرداز و ره‌آورد نوین و همچنین صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج شد و پس از آماده‌سازی داده‌ها در نرم‌افزار *Excel*، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها توسط نرم‌افزار آماری *Eviews8* انجام شده است.

1. Closeness-to-Cash

۶. یافته‌های تحقیق

۶.۱. آماره‌های توصیفی تحقیق

در این بخش و قبل از انجام آزمون فرضیه، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده‌اند. آماره‌های مذکور شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌های تحقیق ارائه می‌نمایند. میانگین و انحراف معیار سود هر سهم تعدیل شده با ارزش بازار به ترتیب $۰/۱۸۴$ و $۰/۳۵۸$ است. این موضوع نشان می‌دهد که سود هر سهم تعدیل شده به ارزش بازار در دوره پژوهش نوسان داشته است. میانگین و انحراف معیار متغیر نسبت جریان نقد عملیاتی به سود خالص به ترتیب $۰/۸۷$ و $۱/۲۰$ است که نشان از این موضوع دارد که کیفیت سود نیز در دوره پژوهش دارای نوسان زیادی بوده است. نتایج متغیر مصنوعی بازده سهام نشان می‌دهد که در دوره پژوهش میانگین شرکت‌هایی که بازده منفی را تجربه کرده‌اند به میزان ۴۴ درصد بوده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	انحراف معیار	بیش‌ترین	کم‌ترین
متغیر سود هر سهم تعدیل شده با ارزش بازار	EPS_{it}/P_{it-1}	$۰/۱۸۴$	$۰/۳۵۸$	$۴/۱۳$	$-۲/۹۴$
متغیر مصنوعی بازده سهام	DR_{it}	$۰/۴۴$	$۰/۴۹$	۱	۰
متغیر بازده سهام	RET_{it}	$۰/۲۹$	$۱/۰۷$	$۹/۲۲$	-۱
تامل متغیر بازده سهام و متغیر مصنوعی بازده	$DR*RET_{it}$	$-۰/۱۵$	$۰/۲۳$	۰	-۱
متغیر جریان نقد عملیاتی به سود خالص	CFO_{it}/NI_{it}	$۰/۸۷$	$۱/۲۰$	$۴/۹۹$	$-۲/۸۵$
متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB_{it}	$۲/۵۳$	$۲/۱۹$	$۱۳/۹۰$	$۲/۱۹$

قبل از ورود به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش لازم است به بررسی مفروضات رگرسیون و انتخاب مدل‌های پژوهش پرداخته شود.

۶.۲. نتایج فروض رگرسیون و انتخاب مدل تخمین

نتایج مربوط به خودهمبستگی با استفاده از آزمون ولدريج مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش در جدول ۲ نشان می‌دهد که در هیچ یک از مدل‌های پژوهش خود همبستگی مرتبه اول وجود ندارد.

جدول ۲: نتایج آزمون خودهمبستگی

شرح	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۱/۵۲۹	۰/۲۲	خودهمبستگی ندارد
مدل دوم	۱/۲۶۳	۰/۲۶	خودهمبستگی ندارد
مدل سوم	۱/۵۲۰	۰/۲۲	خودهمبستگی ندارد

به منظور آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون نسبت راستنمایی (LR) استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان می‌دهد که در تمام مدل‌های پژوهش ناهمسانی واریانس وجود دارد. از این رو، به منظور رفع این مشکل تمام مدل‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) تخمین زده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

شرح	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۱۸۸۱/۴۹	۰/۰۰	ناهمسانی دارد
مدل دوم	۱۸۹۸/۱۶	۰/۰۰	ناهمسانی دارد
مدل سوم	۲۰۰۹/۷۸	۰/۰۰	ناهمسانی دارد

نتایج آزمون هم‌خطی با استفاده از آزمون تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش در جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش در مدل‌های پژوهش دارای مشکل هم‌خطی نیستند.

جدول ۴: نتایج آزمون هم‌خطی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم
متغیر مصنوعی بازده سهام	DR_{it}	۲/۲۱	۲/۲۳	۲/۲۳
متغیر بازده سهام	RET_{it}	۱/۴۵	۱/۴۷	۱/۵۰
تعامل متغیر بازده سهام و متغیر مصنوعی بازده	$DR*RET_{it}$	۲/۰۶	۲/۰۷	۲/۰۸
متغیر جریان نقد عملیاتی به سود خالص	CFO_{it}/NI_{it}		۱/۰۱	۱/۰۱
متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB_{it}			۱/۰۶

به منظور انتخاب روش تخمین مدل از دو آزمون اف لیمر و هاسمن استفاده می‌شود. نتایج مربوط به آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج انتخاب مدل پژوهش

شرح	آماره اف لیمر	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون	آماره هاسمن	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون هاسمن
مدل اول	۱/۸۴	۰/۰۰	روش تابلویی	۹۹/۲۶	۰/۰۰	روش اثرات ثابت
مدل دوم	۱/۹۸	۰/۰۰	روش تابلویی	۶۱/۱۷	۰/۰۰	روش اثرات ثابت
مدل سوم	۱/۹۳	۰/۰۰	روش تابلویی	۲۸/۸۳	۰/۰۰	روش اثرات ثابت

۶.۳. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در فرضیه اول پژوهش مطرح گردید که محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$EPS_{it} / P_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \varepsilon_{it}$					
نام متغیر	نماد متغیر	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا		۰/۱۵۸	۰/۰۰۴	۳۳/۸۲	۰/۰۰
متغیر مصنوعی بازده سهام	DR _{it}	-۰/۰۳۳	۰/۰۰۸۹	-۳/۸۵	۰/۰۰
بازده سهام	RET _{it}	۰/۰۹۹	۰/۰۰۳	۲۷/۲۰	۰/۰۰
تعامل متغیر بازده سهام با متغیر مصنوعی	DR*RET _{it}	۰/۰۶۹	۰/۰۱۸	۳/۷۱	۰/۰۰
آماره F		۱۳/۹۸۲	آماره دوربین واتسون		۱/۶۴
سطح معنی‌داری		۰/۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۳

معناداری آماره F (۱۳/۹۸۲) حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است و مقدار آماره دوربین - واتسون (۱/۶۴) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است. لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

ضریب متغیر تعامل بازده سهام با متغیر مصنوعی بازده سهام و آماره t به ترتیب ۰/۰۶۹ و ۳/۷۱ است که در سطح خطای ۵ درصد مثبت و معنی دار است. مثبت بودن این ضریب نشان دهنده شناسایی به موقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در صورت سود و زیان است. بنابراین،

فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر می‌توان بیان نمود که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محافظه‌کاری شرطی وجود دارد. در فرضیه دوم پژوهش مطرح گردید که محافظه‌کاری شرطی بر کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \beta_4 \frac{CFO_{it}}{NI_{it}} + \varepsilon_{it}$					
سطح	آماره t	خطای استاندارد	ضریب متغیر	نماد متغیر	نام متغیر
-/۰۰	۳۰/۷۳	۰/۰۰۵۶	۰/۱۷۲		عرض از مبدا
-/۰۰	-۳/۵۴	۰/۰۰۸	-۰/۰۳۱	DR _{it}	متغیر مصنوعی بازده سهام
-/۰۰	۲۷/۸۹	۰/۰۰۳	۰/۱۰۲	RET _{it}	بازده سهام
-/۰۰	-۳/۵۴	۰/۰۱۹	-۰/۰۶۸	DR*RET	تعامل متغیر بازده سهام با متغیر مصنوعی
-/۳۸	-۰/۸۷	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	CFO _{it} /NI	متغیر جریان نقد عملیاتی به سود خالص
۱/۶۲	آماره دوربین واتسون		۱۴/۲۹۴		آماره F
-/۵۶	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۰		سطح معنی‌داری

معناداری آماره F (۱۴/۲۹۴) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است و مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۶۲) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است. لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل حدود ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

ضریب متغیر جریان نقد عملیاتی به سود خالص به عنوان معیار کیفیت سود و آماره t به ترتیب به میزان -۰/۰۰۲ و -۰/۸۷ است که در سطح خطای ۵ درصد معنی دار نمی‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت سود با محافظه‌کاری شرطی منعکس در سود شرکت‌ها رابطه معناداری ندارد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش رد می‌گردد. به عبارت دیگر، محافظه‌کاری شرطی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران تأثیر ندارد. در فرضیه سوم پژوهش مطرح گردید که محافظه‌کاری غیرشرطی بر کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

$$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR * RET_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 \frac{CFO_{it}}{NI_{it}} + \varepsilon_{it}$$

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب متغیر	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا		۰/۲۰۶	۰/۰۰۶	۳۴/۱۵	۰/۰۰
متغیر مصنوعی بازده سهام	DR _{it}	-۰/۰۳۲	۰/۰۰۸	-۴/۰۰	۰/۰۰
بازده سهام	RET _{it}	۰/۱۰۸	۰/۰۰۳	۳۱/۰۹	۰/۰۰
تعامل متغیر بازده سهام با متغیر مصنوعی	DR*RET _{it}	۰/۰۵۰	۰/۰۱۷	۲/۸۸	۰/۰۰
متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB _{it}	۰/۰۱۰	۰/۰۰۱	۸/۸۴	۰/۰۰
جریان نقد عملیاتی به سود خالص	CFO _{it} /NI _{it}	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۲/۲۹	۰/۰۰
آماره F		۱۷/۷۱۵	آماره دوربین واتسون		۱/۶۸
سطح معنی‌داری		۰/۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۳

معناداری آماره فیشر (۱۷/۷۱۵) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است و مقدار آماره دوربین-واتسون (۱/۶۸) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است. لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست. ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل حدود ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

همانگونه که نتایج حاصل از جدول ۸ نشان می‌دهد ضریب متغیر کیفیت سود (CFO_{it}/NI_{it}) و آماره t در مدل سنجش محافظه‌کاری غیرشرطی به ترتیب به میزان ۰/۰۰۶ و ۲/۲۹ است که در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌گردد. به عبارت دیگر، محافظه‌کاری غیرشرطی بر کیفیت سود تأثیر دارد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

محافظه‌کاری یکی از زیر ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه محققین حسابداری قرار گرفته است. علیرغم انتقاداتی که به آن وارد شده است ولی همچنان جایگاه خود را به عنوان یک میثاق حسابداری برای کاهش مدیریت سود، کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی در گزارشگری

مالی حفظ نموده است. همچنین در سال‌های اخیر کیفیت سود گزارش شده هم مورد توجه بسیاری از تحقیقات قرار گرفته است. کلاهبرداری از شرکت‌های بزرگی همچون انرون و تیکو ووردکام پرسش‌هایی را در مورد قابلیت اتکای سودهای گزارش شده مطرح کرده است و توجه پژوهشگران و تحلیل‌گران را از رقم سود به سوی کیفیت سود معطوف ساخته است. در این مقاله تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بر کیفیت سود حسابداری در بازار سرمایه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل توسعه‌یافته باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است. در این مدل برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی از معیار عدم تقارن زمانی باسو، و برای سنجش کیفیت سود و محافظه‌کاری غیرشرطی به ترتیب از نسبت جریان نقد عملیاتی به سود خالص و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری استفاده شده است.

نتایج فرضیه اول تحقیق، حاکی از مثبت بودن بودن ضریب متغیر DR.RET و معناداری آن می‌باشد. از آنجایی که این ضریب برابر با (۰/۰۶۹) است بیانگر این است که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محافظه‌کاری شرطی وجود دارد. بنابراین، نتایج حاصله، با پیش‌بینی صورت گرفته در فرضیه اول تحقیق سازگار است. در نتیجه همانگونه که باسو (۱۹۹۷) بیان کرده، این امر نشان می‌دهد نمونه این تحقیق در گزارشگری صورت‌های مالی محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. این نتیجه با نتایج تحقیق کردستانی و خلیلی (۱۳۹۰) و بدیعی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین محافظه‌کاری شرطی و کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد. این موضوع بیانگر این است که میزان محافظه‌کاری اعمال شده توسط مدیریت که از اخبار و اطلاعات (به طور معمول بد) شرکت ناشی شده است، تأثیری بر کیفیت سود ندارد. اگرچه اجزا سود متفاوت و ممکن است برخی از این اجزا واکنشی نسبت به اخبار و اطلاعات سوءگیرانه نشان ندهند اما از دیدگاه دیچو و همکاران (۲۰۱۰) کیفیت سود به اقتضای شرایط تصمیم بستگی دارد. کیفیت سود به مفهوم دستیابی به سود واقعی است و محافظه‌کاری به مفهوم انعکاس زودتر اخبار بد است. بنابراین اگر سود به سمت نشان دادن اخبار بد حرکت کند این موضوع می‌تواند کیفیت سود را افزایش دهد. اما به دلیل وجود محرک‌های انگیزشی مدیران، سعی می‌گردد این واقعیت با استفاده از آزادی عمل در انتخاب‌های حسابداری پنهان گردد. نتایج این فرضیه با نتیجه پژوهش بدیعی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت و تحقیق طارق و راشا (۲۰۱۱) مغایرت دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که ضریب متغیر CFO/NI مثبت (۰/۰۰۶) و معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر بین محافظه‌کاری شرطی و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین فرضیه سوم تحقیق رد نمی‌گردد. این نتیجه حاکی از آن است هرچه میزان محافظه‌کاری اعمال شده در تهیه صورت‌های مالی که مستقل از اخبار منتشره و ناشی از به‌کارگیری استانداردهای حسابداری باشد، بیش‌تر باشد، کیفیت سود نیز بیش‌تر خواهد بود. از آنجایی که این نوع محافظه‌کاری به موجب فرآیندهای حسابداری اعمال می‌شود و در راستای تامین اهداف فرصت‌طلبانه مدیران نیست، می‌تواند موجب افزایش کیفیت سود شرکت گردد. لذا فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه مثبت بین محافظه‌کاری غیرشرطی و کیفیت سود رد نمی‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق چان و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت و با نتایج پژوهش طاروق و راشا (۲۰۱۱) و بدیعی و همکاران (۱۳۹۳) مغایرت دارد.

بر اساس نتایج پژوهش مدیران بهتر است، برای کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت اطلاعات مالی در مواقع لزوم به جای محافظه‌کاری شرطی که متأثر از اخبار خوب و بد می‌باشد و ممکن است درجه قابلیت اتکا آن‌ها ضعیف یا اثبات قابلیت اتکا آن‌ها هزینه‌بر باشد از محافظه‌کاری غیرشرطی استفاده نمایند زیرا به دلیل بکارگیری استانداردها ضریب قابلیت اتکا و مربوط بالاتری دارد. همچنین تحلیلگران و سرمایه‌گذاران باید این موضوع را در نظر داشته باشند که اعمال میزان بیش‌تری از محافظه‌کاری غیرشرطی در واحدهای تجاری به هزینه سرمایه کم‌تر و ارزش بیش‌تر حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود.

منابع

- بدیعی، ح.، محمودی، م. و رضازاده، ر. (۱۳۹۳). "تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر کیفیت سود با استفاده از مدل باسو، بال و شیواکومار". فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳ (۱۲)، ۲۳-۳۱.
- بولو، ق. (۱۳۸۵). "نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود". مجله اقتصادی بورس، ۵۲، ۸-۱۲.
- پورحیدری، ا. و غفارلو، ع. (۱۳۹۱). "اثر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط حسابداری بر هزینه حقوق مالکانه". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰ (۳۵)، ۴۹-۶۷.
- ستایش، م.ح. (۱۳۹۲). "مدل بسط داده شده برای تخمین محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۵ (۱۷)، ۵۲-۶۷.
- ستایش م.ح. و شمس‌الدینی، ک. (۱۳۹۲). "مدل پیشنهادی جدید برای محاسبه محافظه‌کاری حسابداری". حسابدار رسمی، ۲۳ (۳۵)، ۶۸-۷۳.

- سدیدی، م.، ثقفی، ع. و احمدی، ش. (۱۳۹۰). "محافظه‌کاری حسابداری و تأثیر کیفیت سود بر بازده دارایی‌ها و بازده سهام". *مجله دانش حسابداری*، ۲ (۶)، ۱۲۹.
- صفرزاده، م.ح. (۱۳۹۲)، "کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن": پژوهش حسابداری، ۳ (۱)، ۱۲۵-۱۴۵.
- کردستانی، غ. و خلیلی، م. (۱۳۹۰). "تأثیر محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی تفاضلی جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی". *دانش حسابداری*، ۲ (۴)، ۸۳-۱۰۴.
- Ahmed, A.S. and Duellman, S. (2007). "Accounting Conservatism and Board of Director Characteristics: An Empirical Analysis". *Journal of Accounting and Economics*, 43 (2-3): 411-437.
- Ball, R., Kothari, S.P. and Robin, A. (2000). "The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings". *Journal of Accounting and Economics*, 29 (1): 1-51.
- Ball, R. and L. Shivakumar (2005). "Earnings Quality in U. K. Private Firms". *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1):83-128.
- Ball R., and L. Shivakumar, (2006). "The Role of Accruals in Asymmetrically Timely Gain and Loss Recognition. *Journal of Accounting Research*, 44 (2): 207-242.
- Ball R., and L. Shivakumar (2008). "Earnings Quality at Initial Public Offerings". *Journal of Accounting and Economics*, 45 (2-3): 324-349.
- Barth M.E., Beaver W.H. and Landsman W.R. (1998). "Relative Valuation Roles of Equity Book Value and Net income as a Function of Financial Health". *Journal of Accounting and Economics*, 25 (1): 1-34.
- Basu, S. (1997). "The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings". *Journal of Accounting & Economics*, 24 (1): 3-37.
- Beaver, W.H. (1998). *Financial Reporting: An accounting revolution*. 3rd ed. (Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall).
- Beaver W.H. and Ryan S.G. (2005). "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling". *Review of Accounting Studies*, 10 (2/3): 269-309.
- Beaver W., Pope P., Ryan S. and Walker M. (2005). "Conditional and Unconditional Conservatism: Empirics. Working paper, New York University, New York, NY.
- Biddle, G. C., Ma, M. L. Z. and Song, F. M. (2013). Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk. <http://ssrn.com/abstract=1621272>

- Cano-Rodríguez M. (2010). "Big Auditors, Private Firms and Accounting Conservatism: Spanish Evidence". *European Accounting Review*, 19 (1): 131-159.
- Chan A.L.-C., Lin, S.W.J. and Strong. N. (2009). "Accounting Conservatism and the Cost of Equity Capital". *Managerial Finance*, 35 (4): 325-345.
- Chandra U., Wasley C.E. and Waymire G.B. (2004). Income conservatism in the U.S. Technology Sector. Simon School Working Paper No. FR 04-01. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=485064>.
- Collins D., Maydew E. and Weiss I. (1997). "Changes in the Value Relevance of Earnings and Book Values over the Past 40 Years". *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 39-68.
- Dechow P., Weili, G. and Catherine, S. (2010). "Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, their Determinant and their Consequences". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2/3):344-401.
- Folsom, D.M (2009). Competitive Structure and Conditional Accounting Conservatism. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa. online; <http://www.proquest.com>
- Fan, Q. and Zhang, X. (2012). Accounting conservatism, aggregation, and information quality. *Contemporary Accounting Research*, 29 (1):38-56.
- Francis J. and Schipper K. (1999). "Have Financial Statements Lost their Relevance?" *Journal of Accounting Research*, 37 (2): 319-352.
- Gao, P. (2011). A contracting approach to conservatism and earnings management. Working Paper. University of Chicago
- Givoly, D. and Hayn, C. (2000). "The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting become more Conservative?" *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320.
- Givoly D. and Hayn C. (2002). "Rising Conservatism: Implications for Financial Analysis". *Financial Analysts Journal*, 58 (1): 56-74.
- Harris T, Huh E, Fairfield P (2000). *Gauging profitability on the road to valuation*. In Strategy Report, Global Valuation and Accounting. Morgan Stanley Dean Witter.
- Iatridis, G.E (2011). "Accounting Disclosures, Accounting Quality and Conditional and Unconditional Conservatism. *International Review of Financial Analysis*, 20 (2): 88-102.

- Khan, M. and Watts, R. L. (2009). "Estimation and Empirical Properties of a Firm-year Measure of Accounting Conservatism". *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3): 132-150.
- Lara J.M.G., Osma B.G. and Penalva F. (2009). The economic determinants of conditional conservatism, *Journal of Business Finance & Accounting*, 36 (3/4): 336-372.
- Lin Fengyi, Chung-Min, Wu, Tzu-Yi, Fang and Jheng-Ci Wun (2014). "The Relations among Accounting Conservatism, Institutional Investors and Earnings Manipulation". *Economic Modelling*, 37: 164-174.
- Nan, L. and Wen, X. (2011). Conservatism's effects on capital structure efficiency and information quality. Working paper. <http://ssrn.com/abstract=1703530>.
- Pae, J., Thornton, D. and Welker, M. (2005). "The Link between Earnings Conservatism and the Price to Book Ratio". *Contemporary Accounting Research*; 22 (3): 693-717.
- Penman, S. and Zhang, X. (2002). "Accounting Conservatism, the Quality Earnings, and Stock Returns". *The Accounting Review*, 77 (2): 237-264.
- Pope, P.E. and Walker, M. (2003). Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness. Working paper, Lancaster University/University of Manchester.
- Richardson G. and Tinaikar S. (2004). "Accounting based valuation models: What have we learned?" *Accounting and Finance*, 44 (2): 223-255.
- Ryan, G.R. (2006). "Identifying Conditional Conservatism". *European Accounting Review*, 15 (4): 511-525
- Schipper, K. and Vincent, L. (2003). "Earnings Quality". *Accounting Horizons*, 17 (supplement): 97-110.
- Tao, M.M. (2010). Accounting Conservatism and corporate investment. Working Paper, Olin Business School Washington University.
- Tariq, H. Ismail and Rasha M. Elbolok (2011). "Do Conditional and Unconditional Conservatism Impact Earnings Quality and Stock Prices in Egypt?" *Research Journal of Finance and Accounting*, 2 (12): 7-22.
- Watts, R.L. (2003). "Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications". *Accounting Horizons*, 17 (3): 207-221.